

اخلاق تدریس (با توجه به اصل توزیع آموزه‌های اخلاقی)

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **مُعَلِّمُ الْخَيْرِ**
تَسْتَغْفِرُ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ وَ حَيْتَانُ الْبَحْرِ وَ كُلُّ صَغِيرَةٍ
وَ كَبِيرَةٍ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ سَمَائِهِ.^۱

برای معلم خوب و با اخلاق، تمام جنندگان روی زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان است، طلب آمرزش می نمایند.

دوره ابتدایی، دوره **تلقین** است. برای تلقین (نصیحت، تذکر،...) شرایطی است.

(۱) کم باشد.

(۲) زیبا باشد.

(۳) به موقع باشد.

(۴) به خودش نه جلوی دیگران.

(۵) خالی از آسیبهای تربیتی.

(۶) بدون باید ها و نبایدها و امر و نهی.

(۷) بجای به کار بردن از خطاب تو از خطاب من استفاده کردن. (به جای تو باید زود به خانه برگردی، از من

طاقت ندارم دیر بیایی استفاده کردن.)

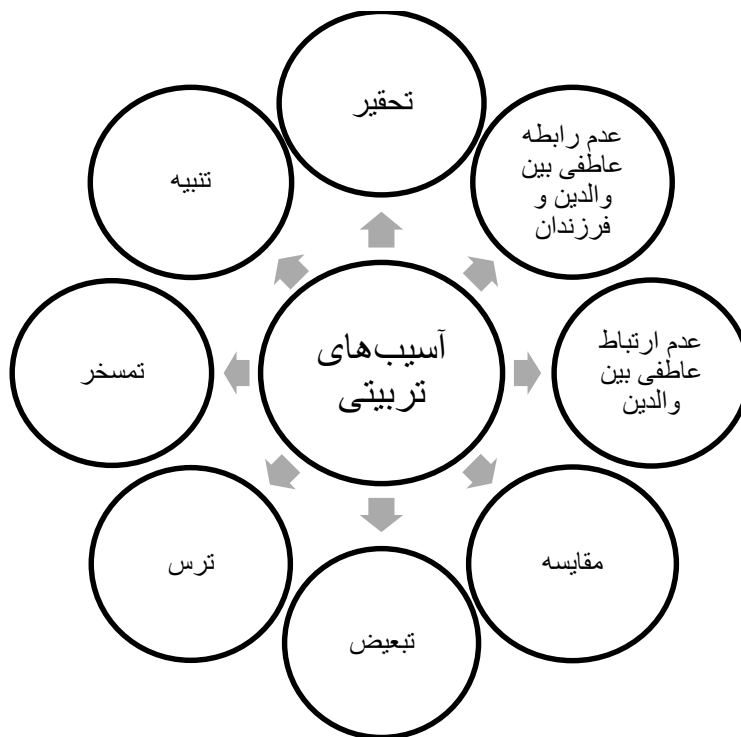
(۸) پرهیز از «نه» زیادی در گفتگو. نه کم ولی محکم باشد.

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲، ص: ۱۷.

دوره **تحقیق**، که باید کودک را با مسائل به صورت تحقیقی آشنا کرد. چرا که کودک دیگر نمی خواهد با مسائل به طریق تقلیدی و تلقینی پیش رود.

دوره **شهود**، کودکان خودشان لذتی از عبادت خداوند و ... می برند. خودشان درک می کنند.

مطالعه آزاد



*اگر کودک از این آسیب ها مصون باشد در مراحل تربیت جواب خواهیم گرفت.

بحث « نه »

بچه ها در سن کودکی زمانی که حرف زدندان شروع می شود «نه» می گویند این «نه» را نباید شکست و باید طبق «نه» برخورد کرد و و مدارا کرد.

شکل گیری کنترل و مقاومت کودکان از همین جا آغاز میشود.

«نه» یعنی «نه» پس اصرار نکنید. ولی از ۸-۹ سالگی این «نه» را بشکنید تا روح لجبازی و مقاومت شکل گیری نکند.

در روایت هم که داریم (الولد سید سبعة سنین) سید به معنای امیر و آقا بودن در هفت سال اول یعنی مورد احترام واقع شدن.

در مقابل خواسته های بچه ها باید سه گونه برخورد کنیم:

۱. در مقابل مسائل زیستی سریع پاسخگو باشیم.

۲. در مورد خواسته های نامشروع و غیر منطقی اصلا پاسخگو نباشیم.

۳. در مورد خواسته هایی از قبیل خرید بستنی یا موارد دیگر بنا به شرط پاسخگو باشیم.

چطور «نه» محکم باشد:

۱. سریع گفته نشود و فکر کرده باشد.

۲. با دلیل جدی باشد و با هماهنگی.

سوال: در رابطه با خدا چگونه با کودکان صحبت کنیم؟

کودکان دارای هوش انتزاعی در ۱۲ سالگی هستند ولی به این معنی نیست که پیش از این سن در مورد مسائل ذهنی صحبتی

نشود بلکه باید به صورتی حسی تبیین کرد و این مسائل را پاسخ گفت.

(کتاب و خدا در همین نزدیکی است انتشارات آستان قدس در این رابطه معرفی شود و کتابهای آقای حیدری ابهری)



راههای به وجود آمدن انگیزه:

۱. در دسترس بودن کتاب.

۲. مورد علاقه بودن کتاب

۳. قابل فهم بودن برای بچه

۴. شکل و نوع نوشته. جلد، عکس، رنگ و کاغذ

.....

انگیزه دهی و راهکارهای آن

چهار چیز لازم در مورد انگیزه باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. ایجاد انگیزه

۲. افزایش و تقویت انگیزه

۳. حفظ و تداوم انگیزه

۴. تغییر و اصلاح و جهت دهی انگیزه

راههای انگیزه دهی

- بیان اهداف دوره یا درس به صورت شفاف
- بیان فواید و آثار عینی آموخته ها در عرصه های زندگی
- تغییر و اصلاح نگرشهای غلط در مورد موضوع تدریس
- دانش پژوه ابتدا باید تشنه شود؛ تشنه علم.
- بیان فضایل علم و عالم و متعلم
- تحریکهای محیطی و در دیوار پر از نکته و حدیث و مانند آن
- با وعده دادن. خدا به انسان وعده می دهد.

راههای استحکام و افزایش انگیزه:

- اگر فضا مناسب است، مانند حضرت ابراهیم علیه السلام مدتی با نظر مخالف همراهی کنیم و بعد از روشن شدن حق، بگوییم: «انی للاحب الآفلین».
- شروع هنرمندانه: اظهار تعجب، انکار، سؤال و ...
- استاد، برخی از خاطرات خوب و مؤثر خود را بیان کند.
- استاد، همواره از تشویق کلامی و غیر کلامی استفاده کند.
- استاد، اهل توکل و توسل باشد.
- استاد، با شور و حال و لذت و بانگیزه درس بدهد و عاشق این مباحث باشد.
- ایجاد رقابت به شکل سالم
- استاد، به تفاوتهای فردی شاگرد توجه داشته باشد.
- استاد علما و الگوهای شاخص و زیبا را در هر جلسه معرفی کند.
- استاد، درس را با سؤالات انگیزشی شروع کند.
- استاد، دلسوز و پرتلاش و خیرخواه باشد.
- از لقبهای خوب و مثبت استفاده کردن. او را «محقق» و ... صدا کنید. خدا غیر مؤمنان را «مؤمن» صدا کرد.
- ؟...

از لقبهای خوب و مثبت استفاده کردن. او را «محقق» و ... صدا کنید. خدا غیر مؤمنان را «مؤمن» صدا کرد.

راههای تداوم انگیز

عوامل قطع انگیزه

عوامل ایجاد مجدد انگیزه.

راهکارهای ایجاد انگیزش در دانش آموزان:

به دانش آموزان کمک شود که نیازهای کمبود خود را برطرف کنند.



رشد عقلانی و اخلاقی از راه تحصیل علوم و کسب کمالات فاضله

• بخشی از اخلاق توسط وراثت صورت می گیرد یعنی انتقال صفات و خصوصیات جسمانی و روانی و حالات و ویژگی

های اخلاقی و رفتاری از پدر و مادر و یا خویشاوندان و اجداد به نسل های بعدی.

• ارزشهای اخلاقی: علاقه به راستی و درستی، تنفر از دروغ و نادرستی، میل به تعاون و همکاری، علاقه به هممنوع و بالاخره

دوست داشتن فضائل و مبارزت با رذائل و امثال آنها را در محیط خانه رشد میابند.

« تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد ، بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم ، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد . تدریس مفاهیم مختلف مانند نگرشها ، گرایشها ، باورها ، عاداتها و شیوه های رفتار و به طور کلی انواع تغییراتی را که می خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم، دربر می گیرد .» (میرزا محمدی، ص ۱۷، ۱۳۸۳)

تدریس :

عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل استاد درس و فراگیر ، بر اساس طراحی منظم و هدف دار استاد برای

ایجاد تغییر در رفتار فراگیر . این تعریف دو ویژگی خاص برای تدریس مشخص می کند

تدریس: ایجاد شرایط مناسب برای اینکه علم آموز اطلاعات لازم را برای رفع یک نیاز کشف کند و به عمل تبدیل کند.

یادگیری: کسب دانش و بازسازی آن که به تغییر نسبتا پایدار در متعلم منجر می شود.

اخلاق تدریس: از جمله آن، فضایی است که معلم باید داشته باشد. در اخلاق تدریس، بهتر است آموزه ها را در فرایند تدریس

در طول جلسات نیمسال، توزیع کنیم.

آیه ۱۲۵ سوره نحل، سه راهبرد را برای تغییر مثبت در رفتار مطرح می کند و باید هر سه راهبرد با هم محقق

شوند.

اخلاق تدریس

سخن امام سجاد علیه السلام در باره حق شاگرد بر استاد واقعا قابل توجه است.

در اخلاق تدریس، بهتر است آموزه ها را در فرایند تدریس در طول جلسات نیمسال، توزیع کنیم.

پیامبر اکرم (ص)، پیام‌های خدا را با همان «قل» بیان کرده است و این یعنی انعکاس صد در صد و ترجمان وحی.

توجه دادن به خود، به جای خدا، عامل فصل است نه وصل. آیا تاکنون فکر کرده‌اید که چرا محراب امام جماعت پایین‌تر از مأمومین است؟ چون کسی که خود را امام و مقدّم بر جمع قرار داده است باید عابدتر و باتواضع‌تر باشد. در قرآن آمده است: «و من احسن قولاً ممن دعا الی الله و عمل صالحاً» نه [الی نفسه]. انسان باید «فقر الی الله» را درک کند.

من فقیر، چه چیزی می‌توانم به کسی بدهم؟ پس، ابتدا باید از منبع فیض بگیرم تا بتوانم بدهم. خداوند فرمود: «یا داود حبیبی الی خلقی». خودمان را باید حذف کنیم و خدا را مطرح کنیم. در روایت داریم که «اوصانی ربی بتسع...»؛ یکی از این ۹ توصیه، «اخلاص سرّاً و علانیة» است.

چند اصل اخلاقی برای تدریس

۱. اصل سعه صدر و عدم توهین (استاد در هیچ شرایطی، به هیچ کس نباید توهین کند)؛
۲. اصل عدم تبعیض (اصل عدالت)
۳. اصل عدالت در نگاه و تقسیم در نگاه
۴. اصل به کارگیری ذهن فراگیران و عدم تحویل مطلب به صورت آماده (اصل عدم خیانت)
۵. اصل صبر
۶. تهذیب نفس و کسب فضایل
۷. اصل پاسخگویی
۸. اصل احترام به فرد سؤال کننده و مکث هنگام پاسخ به پرسش
۹. اصل امانت‌داری
۱۰. اصل صادق بودن
۱۱. اصل ارزش قائل شدن به فراگیر
۱۲. اصل جامع: استاد باید رسالت محور باشد.

۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲

نحوه ارتباط

توجه به زبان بدن، در ایجاد ارتباط، بسیار مؤثر است. یکی از مهم‌ترین خصوصیات انسان که او را نسبت به سایر موجودات برتری می‌دهد قدرت تکلم و سخن گفتن اوست. او می‌تواند با به کارگیری کلمات و جملات احساسات و نیات درونی‌اش را بیان کند و دیگران را از آن آگاه نماید. از طرفی خواسته یا ناخواسته در فضایی که آن را سکوت و خاموشی می‌نامیم و با زبان بی‌زبانی تنها با آنچه «body language» یا زبان حرکات بدن و اجزای آن خوانده می‌شود، می‌تواند به خوبی احساسی را انتقال داده یا معنای کلامی را تغییر دهد. هرگز اظهار دوستی و علاقه شخصی در حالی که اخم کرده و ترشروی نشان می‌دهد، قابل قبول نیست. بنابراین به کارگیری این ۲ زبان در یک جهت و راستا می‌تواند به خوبی در بیان هیجانات، عواطف و احساسات به کار رود. اما در میان دنیای خاموش و بی‌زبانی، زبان‌های گویای دیگری هم هستند.... زبان بدن شامل دو قسمت است. یکی زبان حرکات بدن و دیگری زبان ظاهر بدن.

معلمی شغل انبیاء است. در اسلام به معلم «پدر» اطلاق شده است. پیامبر فرمود: انا و علی ابوا هذه الامة. در منیه المرید آمده است که: اگر موا اولادکم، شاگردان را نیز شامل می-شود. رابطه معلم و شاگرد باید رفاقت باشد.

یکی از آیات خوبی که به توصیه‌های روش‌شناختی مؤثری به معلم ارائه می‌دهد آیه ۱۲۵ سوره نحل است. نویسنده یکی از کتابهای روش تحقیق (آقای شیخ عبد الحمید واسطی) این نظریه را «دعوت سه بعدی» معرفی کرده است. او سعی کرده است با حدود ۴۵ آیه و حدود ۸۰ حدیث روش تدریس را بر اساس نگرشی اسلامی تدوین کند.

علم آموزی، ایجاد زمینه برای اتحاد درون و برون انسان است. قرآن برای این زمینه-سازی سه راهبرد توصیه می‌کند.

۱- قوانین و معادلات موجود در درس را به شاگرد ارائه کن تا منطقی بودن درس را احساس کند.

۲- نفع مطلب درس و ضرر نبود آن را نشان دهد، به طور که خودشان تمایل به مطلب درس پیدا کنند.

۳- مطالب و نظریات را نقد و بررسی کنید تا با قضاوت خودشان برتری مطلب درس را بیابند.

اسلام روش حل مسئله، تفکر نقادانه و تفکر خلاق را توصیه می‌کند و این امر با روش کارگاهی تطابق دارد.

در روایات آمده است که اگر بتوانی سؤال خوب پیدا کنی، نصف راه علم‌آموزی را رفته‌ای؛ در دین ما به سؤال کردن بسیار بسیار اهمیت داده شده است. اسلام سؤال را کلید علوم مطرح کرده است. آراء را با هم مقایسه کنید؛ مطالب را تحلیل و نقد کنید. هر کلاس باید به یک کارگاه تبدیل شود. وظیفه استاد فراهم‌سازی زمینه برای رشد تفکر خلاق است.

در اسلام علم برای زندگی است و زندگی برای رسیدن به کمال و کمال خداوند است. در اسلام، تحلیلی واقعا غیرمادیگرا از ماهیت علم، ذهن و حقیقت ارائه شده است. علمای اسلامی ما بر اساس حکمت متعالیه، یک بازتعریف در باره این مفاهیم ارائه دادند. علم و علم‌آموزی در اسلام بر یک هستی‌شناسی و انسان‌شناسی عمیقی استوار است. اسلام علمی را به لایه‌های قلب نفوذ نکند و در عمل به کار نیاید علم نمی‌داند. در اسلام، همزمان با افزایش علم باید قرب به خداوند افزایش یابد. در غیر این صورت، علم توحید هم بخوانیم ارزشی ندارد.

اسلام نگاه انداموار (سیستمی یا شبکه‌ای) را ترجیح می‌دهد و توصیه می‌کند.

پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی علیه السلام فرمود که او بتواند یک نفر را هدایت کند، ثوابش از آنچه خورشید بر آن می‌تابد و نمی‌تابد بیشتر است. در صدر اسلام، اگر یک اسیر به مسلمانی علم یاد می‌داد، آزاد می‌شد. در اسلام، تدریس و یادگیری عبادت شمرده شده است و به شدت با فضایل اخلاقی آمیخته است و علم و تقوی به عنوان دو بال برای پرواز انسان معرفی شدند.

در حوزه اخلاق

۱. معلم باید شایستگی و صلاحیت تدریس را در خود ایجاد کرده باشد، و این شایستگی در تمام مظاهر وجودی وی-سیما، رفتار، گفتار- پدیدار باشد، تا دانش آموزان از علم او بهره کافی ببرند.
۲. علومی را که در آن تخصص ندارد مورد تقبیح قرار ندهد.
۳. در نشر علم بخل نورزد، و علاقه‌مندان به کسب علم را سیراب کند.
۴. خود را وابسته و علاقه‌مند به موضوع درسی نشان دهد و از بی‌علاقه بودن و کسالت دوری کند.
۵. معلم موظف است دانش آموزان را از موضوع درسی و نیاز آنان به درس آگاه کند.
۶. وقت کافی در اختیار دانش آموزان قرار بدهد تا همه آنها بر مطالب درس تسلط پیدا کنند.
۷. نظم را سرلوحه امور قرار داده و در شروع و پایان درس، زمان را رعایت کند.
۸. از تعریف و تمجید شاگردانش مغرور نشود، و از بی‌احترامی و سرزنش آنان دل‌سرد نگردد.
۹. اگر غیبت معلمی را از شاگردانش شنید آنان را به تقوا توصیه کرده و از معلم نامبرده تعریف و تمجید کند.
۱۰. درباره آینده شاگردانش خود را مسوول بداند و برای بهترین نوع آرایه درس، تفکر و مطالعه عمیق داشته باشد.
۱۱. برنامه‌های آموزشی خود را به مسئولان مرکز آموزشی اطلاع دهد و آنان را از نوع عملکرد خود آگاه سازد.
۱۲. از تمام ظرفیت و وقت کلاس برای علم آموزی و بیان اخلاقیات بهره‌بردارد، وقت را طلا بداند و در اتلاف آن بخیل باشد.
۱۳. در هنگام خشم، بر احساسات و عواطف خود غلبه کند.
۱۴. سعی کند همواره اشکالات تدریس خود را رفع کند. گرفتن نظرسنجی، فیلم برداری یا ضبط صدا بسیار کمک‌کننده است.
۱۵. از تجربیات درسی و تدریس دیگران استفاده کند.
۱۶. سعی کند شخصیت علمی و اجتماعی خویش را پیش دانش آموزان سبک نکند.

۱۷. خوش خلقی و مدارا را نصب العین خود قرار دهد همانگونه که خداوند دستور داده (و اخفض جناحك لمن اتبعك من المومنين) و در برابر شاگردانش غرور و خودبینی را به کناری نهد، زیرا دانش پژوه از معلم بد اخلاق فراریست و از درخت خودبین مغرور، میوه غرور و خودبینی میروید.
۱۸. دلسوز باشد و از احوال شاگردانش تفقد کند، اگر کسی در جلسه درس حضور ندارد احوال او را جویا شود.
۱۹. نام و مشخصات شاگردان فرا بگیرد و بداند تا بتواند ارتباط مناسبی ایجاد کند.
۲۰. به دانش آموزان در آستانه ورودی کلاس خوشآمد بگوید.
۲۱. در خارج از کلاس موفقیت آنان را تبریک بگوید و در باره آنان حتی موارد غیر درسی اظهار نظر کند.
۲۲. طوری رفتار کنند که دانش آموزان به آنان اعتماد کنند و مشکلاتشان را با معلم در میان گذارند.
۲۳. باید منصف باشد، به شخصیت شاگرد احترام گذاشته و اگر از شاگردی سخنی سودمند شنید به اهمیت و ارزش افکار او اعتراف کند.
۲۴. در اظهار لطف و محبت به شاگردان، مساوات را رعایت کند.
۲۵. در فضای آموزشی مکانی را برای نشستن انتخاب کند که همه او را ببینند و او نیز شاگردان را ببیند.
۲۶. با دانش آموزان به طور مساوی تماس چشمی برقرار کند و از این کار پرهیز نداشته باشد.
۲۷. صدای خود را بالا و پایین ببرد، تاکیدهای خود را کم و زیاد کند، و گاه مکث کند تا بر وقار و جذابیت بحث بیفزاید.
۲۸. در عین وقار حس شوخ طبعی داشته باشد و لبخند را فراموش نکند تا محیطی مناسب را برای یادگیری فراهم کرده باشد.
۲۹. برای جلب توجه دانش آموزان، و ایجاد علاقه، در کلاس راه برود و جای خود را تغییر دهد.
۳۰. از حرکات سر و دست برای تاکید بر نکات مهم استفاده کند و در یک نقطه متمرکز نباشد.
۳۱. خود را مطمئن و دوستانه نشان دهد و از اضطراب و حالات تدافعی پرهیز کند.

۳۲. با سرعت مطلوب آموزش دهد، معلم باید از وقت کشی پرهیزد.
۳۳. در خارج از کلاس موفقیت دانش آموز را تبریک بگویند.
۳۴. در برابر دانش آموزان درس گریز صبور باشد و تندخویی و پرخاشگری را از صفحه دل خود حذف کند.
۳۵. مشکلات پدید آمده در فضای آموزشی را رصد کند و در ایجاد دوستی بین شاگردانش از هیچ تلاشی دریغ نرزد.
۳۶. حتی المقدور با خانواده دانش آموزان ارتباط مستمر داشته باشد و آنان را در جریان وضعیت علمی و اخلاقی فرزندشان قرار دهد.
۳۷. توجه کند که از داشتن تکیه کلام پرهیز کند. زیرا باعث حواس پرتی دانش آموزان و یا تمسخر میشود.
۳۸. در تدریس ذوق و سلیقه به کار ببرد. معلم وظیفه دارد کلاس را با نشاط نگه دارد.
۳۹. آرام و شمرده تدریس کند. و از تند گویی پرهیزد.
۴۰. ساده تدریس کند اما عمیق، تا مطالب به جان دانش آموزان بنشیند.
۴۱. در املاء کلمات دقت کند و کلمات را صحیح روی تابلو به نگارش در آورد.
۴۲. رازدار و محرم اسرار دانش آموزان باشد.
۴۳. از تعصب بیجا پرهیزد.
۴۴. از دانش آموزان توقعات بیش از اندازه نداشته باشد.
۴۵. رسا و روان بودن کلمات و جملات را رعایت کند.
۴۶. سعه ی صدر داشته باشد و از فضل فروشی پرهیزد.
۴۷. وفای به عهد، خوش قولی و تواضع در تدریس را از یاد نبرد.
۴۸. به هنگام تدریس؛ آرامش خود را حفظ کند.
۴۹. از قضاوت ناصحیح نسبت به دانش آموزان یا مطالب کتاب پرهیز کند.
۵۰. اشتباهات خود را توجیه نکند.
۵۱. از علماء، بزرگان و شخصیت‌های دینی با احترام نام ببرد.
۵۲. از به کار بردن کلمات خارج از نزاکت پرهیزد.
۵۳. پرگوئی نکند، در واقع آنقدر بگوید که دانش آموز می تواند بشنود.

۵۴. در صورتی که احساس خستگی در چهره دانش آموزان مشاهده کرد، از ادامه تدریس خودداری کند.

۵۵. به سؤالات دانش آموزان با لحن خوب و مناسب پاسخ دهد.

۵۶. در تدریس از گروه گرائی و خط بازی خودداری کند.

۵۷. نسبت به فعالیت مثبت دانش آموزان بی تفاوت و بی توجه نباشد.

۵۸. مقررات خشک و افراطی را از فضای کلاس دور کند.

۵۹. بیش از اندازه در کار دانش آموزان، خود را دخالت ندهد.

۶۰. سعی کند کردار و رفتار خوبی از خود نشان دهد. و الگوی خوبی برای آنان باشد.

۶۱. به مقررات محیط آموزشی احترام بگذارد. و خود را مستثنی نداند.

۶۲. در هنگام موعظه، خود را مخاطب اصلی قرار دهد.

۶۳. سخن دانش آموزان را بی مورد و بی موقع قطع نکند.

۶۴. در مسائل متعددی که پیش می آید با دانش آموزان همدردی کند.

۶۵. در برخوردها عدل و انصاف را رعایت کند.

۶۶. در پاسخ به سؤالات فراگیران صبور و بردبار باشد و به طور عادلانه به سؤالات آن ها

پاسخ گوید تا حس کنجکاوی و پرسشگری آنان را تقویت نماید.

TTTTTTTTTTTTTTTTTTTT

اخلاق و بایدهای رفتاری استاد در فرایند تدریس:

۱. هر درسی حتما باید تکلیف داشته باشد.
۲. از هر استادی بهترین هنر و روش او را یاد بگیریم و نکات ضعف و عیب او را نگیریم.
۳. در هر درسی تلاش کنید جزوه داشته باشید؛ هر چند مختصر باشد ولی به زبان و سلیقه و تجربیات خودمان باشد.
۴. استاد سعی کند که با زبان معیار صحبت کند و از غلطهای رایج و فاحش بپرهیزد تا عادت نشود.
۵. از فراگیران بخواهید که بحث را یادداشت کنند، حتی اگر جزوه دارد. این کار در گوش دادن فعال او مؤثر است.
۶. در کلاس نباید فرد در نظر گرفته شود؛ فرد و گروه با هم در نظر گرفته شوند.
۷. هیچ وقت کاری نکنید که شاگردان از آمدن به کلاس شما احساس بی‌نیازی کنند (روش تدریس و سطح علمی بالا باشد)
۸. در بین درس یا در پایان از فراگیران و از شاگردان قوی کلاس بخواهیم که درس را جمع‌بندی کنند.
۹. سعی کنیم که ابتدا مفاهیم را به لحاظ لغوی و اصطلاحی تبیین کنیم تا ارتباط برقرار شود.
۱۰. باید قبل از تدریس هر مبحث، جایگاه آن و ربطش به درس قبلی و ترتب آن تبیین شود.
۱۱. هر نوع اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از سؤالات نامطلوب، انجام گیرد.

۱۲. استاد با مطالعه تجسسی و بارش فکری، هم آمادگی خود را برای پاسخ به سؤالات بالا ببرد و هم جلوی ایجاد شبهه و پاره شدن کلاف بحث را بگیرد.

۱۳. در ارائه درس، در ثلث اول وقت کلاس سعی کنیم اهم مطالب درس را پیش ببریم و به جای مهمی برسائیم.

۱۴. در اوایل ترم باید بیشترین فعالیت با حجم بالا انجام گیرد تا اواخر ترم وقت کم نیاوریم.

۱۵. استاد باید قاطع باشد، استاد خوب انعطاف‌پذیر و پوی است و در دم می‌تواند تصمیم بهتر را بگیری‌د.

۱۶. استاد باید سعی کند به بهانه‌های مختلف، زمی‌نه شرکت فراگی‌رهای ساکت را فراهم کند.

۱۷. وقتی در کلاس همه‌ش شنیده می‌شود، استاد می‌تواند ل‌حظاتی سکوت کند تا نظرها جلب شود.

۱۸. کاری که با مثال با ذهن انسان انجام می‌دهد بسی‌ار مؤثر است.

۱۹. همواره اول و آخر کلاس سازماندهی و جمع‌بندی کنی‌م.

۲۰. اگر در جلسه اول آمادگی کامل ندارید، پس از معارفه بین بچه‌ها برگه سفی‌د پخش کنی‌د تا سؤالاتشان را در باره درس بنوی‌سند و برای جلسه بعد کنجکاو شوند.

۲۱. بهترین راه، بحث کنجکاوانه است.

۲۲. می‌توان از بارش فکری در مواقعی نیز استفاده کرد که می‌خواهی‌م بحث را شروع کنی‌م یا طول و عرض بحث را بررسی کنی‌م.

۲۳. پس از گذشت چند جلسه اول، برخی سوالات پاسخ داده شده و گاهی برخی سوالات که پاسخ داد نشده آموزشی نیستند بلکه پژوهشی هستند؛ می توان به عنوان تحقیق به خود بچه ها محول کرد.

۲۴. باید صحبت های استاد مستدل و مستند باشد.

۲۵. بعد از دو یا سه جلسه از بچه ها بخواهیم انتقادات و پی شهادت خود را در باره روش تدریس بنویسند.

۲۶. برای فهم متن درس، مهندسی عکس حتما در کلاس صورت گیرد توسط معلم یا طلاب.

۲۷. بهترین روش و فن تدریس آن است که شاگرد در آن دخیل باشد.

۲۸. اگر روش تدریس شما سخنرانی بود، مطالب اولیه را زیاد کشش ندهیم.

۲۹. روش تدریسی که ثابت باشد، تدریس موفق نیست و انگیزه ایجاد نمی کند.

۳۰. روشهای مطالعه صحیح را به دانش پژوهان بی اموزی م.

۳۱. ما باید در روش خود، شاگردان را به کتابخانه ارجاع دهیم.

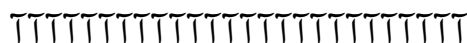
۳۲. اگر گروه بندی کردی، حتما به آنها اهمیت دهی، نظرشان را پرسی و روی تابلو به تفکیک گروه بنویسی یا خودشان بنویسند.

آسیبهای تدریس:

۱. از بین رفتن حرمت استاد و شاگردی
۲. استفاده نادرست از روش سخنرانی که غیرفعال کننده است.
۳. به روز نبودن برخی اساتید
۴. بی انگیزگی برخی طلاب به علت طولانی شدن مدت تحصیل

۵. پرداختن به مباحث حاشیه‌ای و عدم مدی‌ریت کلاس درس
۶. تعصب و تجرر روی نظریه خود از سوی برخی استادان
۷. تمرکز افراطی بر برخی رشته‌های خاص مانند فقه که طلاب را محدود می‌کند و به مسائل روز مسلط نیستند.
۸. حجم زیاد آموزش صرف و عدم استفاده اساتید را آموزش پژوهش محور
۹. ضعف نظام اطلاع‌رسانی که به مشارکت ضعیف انجامیده است.
۱۰. عامل نبودن و مهذب نبودن برخی اساتید به معارفی که مطرح می‌کند.
۱۱. عدم استفاده از تکنولوژی آموزشی
۱۲. عدم اهتمام به مطالعات تطبیقی در باره مذاهب اسلامی
۱۳. عدم ایجاد انگیزه توسط استادان برای تمرین و مطالعه طلبه
۱۴. عدم آمادگی استاد برای تدریس در حد مطلوب.
۱۵. عدم بازخواهی و پرسش از دروس تدریس شده
۱۶. عدم ترغیب طلاب به پژوهش در زوایای غامض بحث.
۱۷. عدم توجه به تحقیقات و به کارگیری آنها.
۱۸. عدم توجه به توان و استعداد دانش پژوه
۱۹. عدم توجه به روحیه خواهران
۲۰. عدم توجه به مباحثه و عدم تدریس از طریق مباحثه
۲۱. عدم توجه کافی به پژوهش در مطالب آموخته شده
۲۲. عدم رشد کیفی طلاب در جهت معنوی
۲۳. عدم هدفمندی و عدم هدفگذاری تحصیل برای طلبه
۲۴. فقدان ارتباط علمی و تحقیقاتی سازمان‌یافته با سایر مراکز و مجامع علمی و آموزشی در داخل و خارج کشور
۲۵. فقدان زمینه‌های لازم و حمایت‌های مورد نیاز (مادی و معنوی) برای انجام ابتکارات جدید علمی
۲۶. کاربردی نکردن دروس حوزه با توجه سطح جامعه
۲۷. کاربردی نکردن مواد درسی
۲۸. کاهش انگیزه و علاقه در بین دانش پژوهان
۲۹. گرایش به مدرک در بین طلاب
۳۰. منجر نشدن تدریس به یادگیری
۳۱. نداشتن طرح درس و بدون برنامه بودن
۳۲. نگاه مردسالارانه به برنامه‌های آموزشی حوزه خواهران
۳۳. وابستگی زیاد سیستم به نمره
۳۴. وجود برخی تناقضات در منابع درسی
۳۵. یکنواختی تدریس
۳۶. پاسخگو نبودن دروس و تدریسها نسبت به مسائل روز
۳۷. بدون تحرک بودن استاد و صدای یکنواخت استاد
۳۸. اکثر دروس شتاب‌زده و سریع تدریس می‌شوند.
۳۹. کم‌رنگ شدن مباحثه
۴۰. کاهش معنویت و کشش‌های معنوی استادان و محیط و حال و هوای حوزه که شوق را بر نمی‌انگیزد

۴۱. عدم واگذاری نمره بخش تحقیقی بعضی از دروس به استاد پژوهش مدرسه
۴۲. عدم استفاده از کتابهای کمک‌درسی و انحصار در کتب درسی
۴۳. استفاده از شروح فارسی و عدم اکتفا به متن عربی
۴۴. عدم ایده‌های جدید و تازه در دروس
۴۵. صرف زمان زیاد برای دروسهای آغازین و بیان مقدمات و کمبود وقت برای طرح مباحث اصلی
۴۶. استاد محوری بودن و مشارکت ندادن طلاب در یادگیری
۴۷. تمرکز بر متن و نداشتن فرصت برای بحث کردن کافی روی محتوا
۴۸. نداشتن مثالهای کاربردی و روش کاربردی در دروسی مثل منطق و اصول که انتزاعی تر هستند.
۴۹. اهداف از ابتدا مشخص نمی‌شوند.
۵۰. فاصله گرفتن طلاب از استاد و منابع، بعد از اتمام تحصیل و رفتن به شهرهای خود
۵۱. نبود مراکز که طلاب را در حین تحصیل برای کارآیی در مراکز خود مدیریت کنند
۵۲. نبودن مدیریت درست در باره متون؛ برخی مباحث احکام چند بار خوانده می‌شود و برخی موارد یکبار هم خوانده نمی‌شود؛ از متون جدید به جای متون قدیمی استفاده نمی‌شود.
۵۳. عدم تسلط محتوایی استاد مهمترین آسیب است، و بهترین برکت تسلط محتوایی استاد بر مطلب است.
۵۴. ارتباط یعنی وقتی مطلب را گفتی ببینیم چقدر طرف مقابل مطلب را گرفته است.
۵۵. اندیشیدن را یاد نمیدهد استاد نحوه فکر کردن را یاد نمیدهد و فقط مطلب را ارائه میدهد، فقط مطلب را آماده تحویل شاگرد می‌دهند.



راههای ایجاد و تداوم ارتباط بین معلم و شاگرد

۱. احترام و تکریم و به تعبیر دیگر شخصیت دادن
۲. ارائه خیلی خوب مباحث درسی و بیان نکات اخلاقی
۳. ارائه شماره تلفن و ایمیل برای ارتباط با دانش‌آموزان
۴. ارتباط از طریق حضور و غیاب و آشنایی ابتدایی با کلاس و اسامی بچه‌ها
۵. استفاده از منابع آموزشی جدید مانند نرم افزارها
۶. توجه به نیاز مخاطب
۷. خوش اخلاقی و پی‌گیری احوال دانش‌آموزان

۸. راه ارتباطی فراتر از کلاس؛ مثل آگاهی از مشکلات خانوادگی، عیادت، پیام تبریک و ...

۹. سؤال پرسیدن از شاگردان و تمرینات کلاسی و کار در منزل

۱۰. طرح سؤال و فعال کردن شاگرد برای رسیدن به حل مسئله

عوامل مغل ارتباط از سوی معلم

۱. ابهام در کلمات استاد

۲. ارتباط یک‌سویه در فضای گفت و گو، اجازه پرسش و پاسخ ندادن

۳. ارزش نگذاشتن به محتوای درسی

۴. استفاده از واژگان تکراری و داشتن تکیه کلام

۵. افسردگی، خبر بد.

۶. با لهجه سخن گفتن

۷. بدخلقی، زود عصبانی شدن بد دهنی

۸. به روز نبودن اطلاعات معلم

۹. بی‌توجهی به شأنیت محیط آموزشی مثلا با ریش تیغ کرده یا استاد خانم

بدحجاب در کرسی تدریس حاضر شدن

۱۰. تبعیض بین مخاطبان

۱۱. تحقیر شاگرد به صورت ضمنی یا با صراحت

۱۲. ترشرویی و اخم کردن

۱۳. تفصیل بیش از اندازه مطالب

۱۴. تیک های عصبی استاد
۱۵. حرکاتی در دست و بدن که چیزهای شرم‌انگیز را تداعی و تجسم کند
۱۶. حرکت دست گاهی موجب برداشت منفی می شود
۱۷. حساسیت بی جا
۱۸. خاموش نکردن تلفن همراه
۱۹. خط بد معلم
۲۰. خط زشت، در هم بودن و آشفتگی مطالب
۲۱. خنده و لبخند و خوش اخلاقی افراطی
۲۲. خواب‌آلودگی معلم
۲۳. خودشیفتگی (عجب) و غرور و تکبر و خودنمایی
۲۴. خیره شدن به شاگرد در هنگام تفکر، خوب نیست
۲۵. راه رفتن گاهی موجب برداشت مچ گیری می شود.
۲۶. راه رفتن و حرکت غیرطبیعی استاد
۲۷. روش و ارزشیابی نادرست
۲۸. ساکن بودن و عدم تحرک در کلاس (راه نرفتن)
۲۹. ستایش افراطی از مخاطب
۳۰. سرعت زیاد در بیان کلمات
۳۱. شوخی های بیجا و کاهنده شأن کلاس و معلم
۳۲. صحبت کردن با کلمات دشوار و غیرمعمول غیرمتعارف
۳۳. صحبت کردن بالاتر از سطح سواد مخاطب و در غیر موضوع تخصصی

۳۴. طرح درس نامناسب
۳۵. عدم احساس نیاز به موضوع کلاس
۳۶. عدم ارائه پسخوراند بموقع
۳۷. عدم ارتباط با والدین شاگردان
۳۸. عدم استفاده از مثالها و تمثیلهای ملموس
۳۹. عدم امکان تمرکز به جهت نامناسب بودن محیط آموزشی
۴۰. عدم ایجاد انگیزه
۴۱. عدم آراستگی استاد، عدم نظافت
۴۲. عدم آرامش باطنی
۴۳. عدم برخورد صحیح استاد با شاگردان اخلالگر
۴۴. عدم پاسخگویی استاد به شاگردان
۴۵. عدم تجربه در توضیح متن مشکل
۴۶. عدم تسلط کافی استاد بر درس
۴۷. عدم تکرار بموقع مطالب در جایی که لازم است
۴۸. عدم توجه به بازخوردهای شاگرد
۴۹. عدم توجه به علاقه و توان فراگیران
۵۰. عدم توجه به مدیریت زمان
۵۱. عدم توزیع عادلانه نگاه بین مخاطبان
۵۲. عدم کنترل کلاس در هنگام بروز پارازیت های محیطی
۵۳. عدم مقدمه چینی برای درس روز

- ۵۴. عدم مهارت در خواندن کلمات انگلیسی
- ۵۵. عدم مهارت در خواندن کلمات عربی
- ۵۶. عدم نتیجه گیری و جمع بندی در کلاس
- ۵۷. عدم نگاه محبت آمیز
- ۵۸. فقدان علاقه به موضوع، فقدان انگیزش آموزشی
- ۵۹. کاربردی نکردن و عدم تطبیق مباحث با نیازهای زندگی و جامعه
- ۶۰. کثرت حرکات بدن موجب نقض غرض می شود
- ۶۱. کندی زیاد در بیان کلمات
- ۶۲. کیفیت بد صدا (صدای ضعیف یا گوش خراش)
- ۶۳. مجادله و مراد
- ۶۴. معلولیت، لکنت، تیک داشتن
- ۶۵. مناسب نبودن نوع حرکت دست استاد با موضوع مورد بحث
- ۶۶. نرسیدن از درس قبل
- ۶۷. ندادن شبکه و منظومه و نگاه کلی به مطالب درس
- ۶۸. نداشتن فن بیان مناسب، عدم توانایی در مدیریت زمان
- ۶۹. نوع پوشش، حرکات تند، خیره شدن به نقطه
- ۷۰. یکنواختی صدا، تصویر و ...

